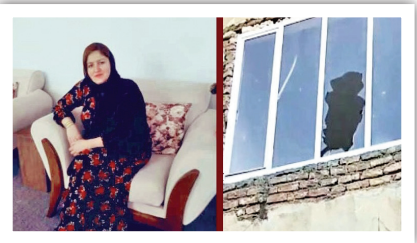


اعدام قاتل شلیر



با گذشت بیش از ۲سال از مرگ درناک شلیر رسولی، شیرزن مریوانی به‌دست مرد همسایه، عامل این جنایت به دار مجازات آویخته شد.

به گزارش همشهری، ۱۴شهریورسال ۱۴۰۱ حادثه هولناکی در شهرستان مریوان رخ داد؛ حادثه‌ای که با قتل درناک زنی ۲۶ساله به نام شلیر همراه بود و احساسات عمومی جامعه را آری‌م‌دار کرد. شلیر همراه همسر و فرزندانش در یکی از محله‌های مریوان زندگی می‌کردند اما همسر وی مدتی بود که برای کار به عراق رفته بود. همسایه رویه‌رویی آنها مردی به اسم گوران بود. شلیر همسر گوران را می‌شناخت و با وی صمیمی بود. شب حادثه گوران به مقابل خانه شلیر رفت و به او گفت که همسرش در خانه بیهوش شده و در حال رفته است. زن جوان که نگران شده بود برای کمک به زن همسایه دوان دوان به خانه آنها رفت اما به محض اینکه وارد خانه شد، گوران نیز پشت سر او وارد شد و در راست. گوران دروغ گفته بود و همسرش در خانه نبود. پس از آن شلیر متوجه شد که مرد همسایه دروغ گفته و نقشای شوم در سر دارد، او می‌خواست خانه را ترک کند اما مرد شیطان صفت با اسلحه شروع به تهدید او کرد. شلیر شروع به سر و صدا کرد اما بی‌فایده بود. او خودش را به لبه پنجره رساند و همچنان کمک می‌خواست. کمی بعد ناگهان او از پنجره به پایین سقوط کرد و در برابر چشمان وحشت‌زده فرزندانش که به‌دنبال او از خانه خارج شده بودند، جانش را از دست داد.

با حضور پلیس در محل حادثه، گوران که از طریق پشت‌بام قصد فرار داشت در درگیری مسلحانه با پلیس دستگیر شد. او به اتهام قتل شلیر در شعبه اول دادگاه کیفری یک استان کردستان محاکمه و به قصاص محکوم شد که در نهایت با پرداخت توافل دیه از سوی اولیای دم، حکم قصاص او سحرگاه دیروز اجرا و وی به دار مجازات آویخته شد.

همسر شلیر در گفت‌وگو با همشهری گفت: سرانجام عدالت درباره همسرم اجرا و قاتل او به دار آویخته شد. این نه تنها خواسته ما، بلکه خواسته بسیاری از مردم بود. صبح دیروز، مادر همسرم به همراه برادر خاتم و پسرم که اولیای دم هستند به زندان مرکزی سنندج رفتند و حکم در حضور آنها اجرا شد. ما در همه این مدت سختی‌های زیادی کشیدیم. من کارگر هستم و پس از مرگ همسرم، هم کار می‌کنم و هم برای پسر و دخترم پدر هستم و مادر. شلیر مقابل چشمان بچه‌هایمان به قتل رسید. و به همین دلیل تنها خواسته ما قصاص قاتل بود. حتی با سختی فراوان مبلغ توافل دیه را فراهم کردیم و در نهایت حکم اجرا شد.

در جست‌وجوی رمال جنایتکار



مرد رمال که با همسر سابقش دچار اختلاف شده بود، او را قربانی جنایتی هولناک کرد و گریخت.

به گزارش همشهری، ساعت ۹ صبح سی‌ام اردیبهشت(دیروز)، پسری ۱۲ساله با پلیس تماس گرفت و در حالی که وحشت زده بود، گفت: «مادرم به قتل رسیده و من در اتاقی زندانی شده‌ام. »

پس از این تماس، مأموران راهی آدرسی که پسر ۱۲ساله عنوان کرده بود، شدند؛ طبقه سیزدهم برجی در تهران. در آنجا پیکر غرق در خون زن جوان که با ضربات متعدد چاقو به قتل رسیده، دیده می‌شد. داخل یکی از اتاق‌ها، پسر ۱۲ساله او زندانی شده بود که مأموران قفل در باز کردند و به تحقیق از پسر نوجوان پرداختند. او گفت: روز حادثه به همراه مادرم از برج خارج شدیم تا به خرید برویم. ناگهان همسر صیغه‌ای مادرم را مقابل برج دیدیم. البته همسر سابق، چون مدت صیغه آنها تمام‌شده بود، او ما را تهدید کرد و خواست که سوار آسانسور شویم و به آپارتمان برویم. وی ادامه داد: مادرم که خیلی ترسیده بود و نمی‌خواست در برج، آپوریزی شود از من خواست تا همراهشان بروم. سوار آسانسور شدیم و پس از ورود به خانه، مرد خشمگین با لگد مرا به داخل اتاق خواب انداخت و در را به رویم قفل کرد. من صدای فریادهای مادرم را می‌شنیدم اما کاری از دستم برنمی‌آمد. به در می‌کوبیدم و التماس می‌کردم تا نجاتم بدهد اما فایده‌ای نداشت. دقایقی بعد صدای مادرم قطع شد و من که مطمئن شدم همسر صیغه‌ای او رفته، فوراً موبایلم را از داخل جیبم بیرون آوردم و به پلیس زنگ زدم.

پس از ثبت اظهارات پسر مقتول، باز پرس دستور انتقال جسد مقتول به پزشکی قانونی را صادر کرد. در ادامه تحقیقات مشخص شد که عامل جنایت، رمال بوده و از مدت‌ها قبل با همسر صیغه‌ای خود دچار اختلاف شده بود. به‌دنبال این حادثه، تیمی از مأموران پلیس آگاهی تهران تحقیقات خود را برای بازداشت رمال فراری آغاز کرده‌اند.

سارق مقبره شاه نعمت‌الله ولی دستگیر شد

سارق نسخ قرآنی و سکه‌های تاریخی مقبره شاه نعمت‌الله ولی بخش ماهان در استان کرمان به دام پلیس افتاد. متهم چند روز پیش نقشه این سرقت را عملی کرد اما با تحقیقات پلیسی در یکی از محله‌های شهر کرمان دستگیر و اموال مسروقه از مخفیگاه او کشف شد.

سرفت

فروش شمش‌های تقلبی با روکش طلا

مرد کلاهبردار که با فروش شمش‌های طلای تقلبی به کلاهبرداری میلیاردی زده بود دستگیر شد. این مرد در شهرستان آشنخانه در خراسان شمالی تعدادی شمش تقلبی با روکش طلا را به فردی به مبلغ ۳میلیارد ۷۰۰میلیون تومان فروخته بود که دستگیر شد و به جرم خود اعتراف کرد.

انتظامی

رهایی از خانه وحشت بعد از ۶ماه



جوان آمریکایی که خانواده نامزدش را ۶ماه در خانه‌شان گروگان گرفت و در این مدت شکنجه می‌کرد، دستگیر شد.

به گزارش همشهری به نقل از ای‌بی‌سی، شنبه گذشته پلیس یکی از شهرهای ایالت یوتای آمریکا، با تماسی عجیب رویه‌رو شد. فردی که با پلیس تماس گرفته بود ادعا می‌کرد که نامزد دخترش به نام دومینیک گارسیا ۲۳ساله، او و عضو خانواده‌اش را به‌مدت ۶ماه در خانه‌شان گروگان گرفته است.

پلیس پس از این تماس عجیب راهی خانه مورد نظر شده و در آنجا با جوانی مسلح رویه‌رو شد که اعضای خانواده‌ای را گروگان گرفته بود. مرد جوان که دومینیک نام داشت در یک عملیات ضربتی خلع سلاح و دستگیر شد. در تحقیقات معلوم شد که دومینیک ۶ماه پیش بانامزدش دچار اختلاف شده و از ترس اینکه او را از دست بدهد، نقشه عجیبی کشید. او به خانه پدر و مادر نامزدش رفت و آنها را قریب داد و گفت که از سوی یک کارتل مخوف موادمخدر تهدید به مرگ شده‌اند و باید مدتی را در کنار هم باشند و از خانه خارج نشوند. بعد از چند روز وقتی اعضای خانواده خواستند از خانه خارج شوند، او آنها را با تهدید اسلحه در خانه نگه داشت. بدین ترتیب آنها ۶ماه با تهدید به مرگ در خانه خود زندانی شدند. تا اینکه پدر خانواده از غفلت جوان مسلح استفاده کرد و پلیس را در جریان قرار داد.

پدر خانواده به کار آگاهان پلیس گفت که دومینیک بارها وی و اعضای خانواده‌اش را مورد ضرب و شتم قرار داده و شب‌ها آنها را غل و زنجیر می‌کرد که نتوانند فرار کنند. با دستگیری جوان مسلح او ۲۸اتهام از جمله گروگانگیری و شکنجه رویه‌رو شده و به‌زودی محاکمه خواهد شد.

قاتل افسر پلیس بعد از ۲۵سال اعدام شد



مرد جنایتکار که ۲۵سال پیش افسر پلیس آمریکا را به قتل رسانده بود، در زندان اعدام شد. به گزارش آسوشیتدپرس، ۲۹سپتامبر سال ۲۰۰۰، یک افسر پلیس ۳۱ساله به نام بیل تونی، وقتی متوجه سرقت یک ون از پمپ بنزینی در ایندیانا شد، سارق را تعقیب کرد. در جریان این تعقیب و گریز، افسر پلیس با شلیک گلوله توسط سارق که پنجامین ریچی نام داشت و در آن زمان ۲۰ساله بود، به قتل رسید.

قاتل چند روز بعد از این حادثه دستگیر و همان سال به جرم سرقت و قتل به اعدام محکوم شد. پنجامین ۲۵سال در زندان ایالتی ایندیانا به سر برد به امید اینکه و کلاشیا حکم اعدام را تغییر دهند. وکلای او دادخواستی را به دیوان عالی آمریکا ارائه دادند که حکم اعدام را متوقف کنند، اما موفق نشدند. براساس این گزارش، روز سه‌شنبه بهانهایی شدن حکم اعدام، پنجامین را برای اجرای حکم به اتاق مرگ در زندان ایالتی ایندیانا در شهر میشیگان بردند. او روی تخت مرگ دراز کشید و دست‌هایش به تخت بسته شد. پس از آن مقدار زیادی داروی کشنده به او تزریق شد و وی کمی بعد جانش را از دست داد.

تصادف زنجیره‌ای جان ۲نفر را گرفت

تصادف زنجیره‌ای ۵دستگاه وسیله نقلیه در خیابان ۱۷شهریور حادثه تلخی را رقم زد و موجب جان‌باختن ۲عابر پیاده شد.

به گزارش همشهری، این حادثه ساعت ۱۴:۴۳دقیقه ظهر دیروز (سه‌شنبه) در مسیر جنوب به شمال خیابان ۱۷شهریور، بعد از میدان خراسان اتفاق افتاد. ماجرا از این قرار بود که یک موتورسیکلت و یک پراید از پشت با یک اتوبوس برخورد کردند و در ادامه اتوبوس نیز با یک خودروی ال ۹۰ و پراید که کنار خیابان پارک شده بود برخورد کرد و در این بین، خودروها با دو عابر پیاده برخورد کردند.

سیدجلال ملکی، سخنگوی آتش‌نشانی تهران در توضیح این حادثه گفت: به‌دنبال وقوع این حادثه آتش‌نشنان ۱۳ایستگاه در ۵دقیقه به محل حادثه اعزام شدند و عملیات آغاز شد. به‌دنبال برخورد ۵دستگاه وسیله نقلیه با یکدیگر ۲خانم ۱۳ و ۵۳ساله که عابر پیاده بودند جان خود را از دست دادند که مرگ این دو نفر از سوی عوامل اورژانس حاضر در محل تأیید شد. به‌گفته او علت دقیق وقوع حادثه از سوی کارشناسان پلیس راهور در دست بررسی است.

حرکات نمایشی و تک‌چرخ زدن با موتورسیکلت در تونل نیایش، به قیمت جان جوان ۳۰ساله و دختر نوجوانی که ترک‌نشین موتور بود، تمام شد. پسر جوان که ادعا می‌کرد موتورسوار حرفه‌ای است، به‌دلیل انتشار فیلم و کلیپ‌هایش در اینستاگرام، تبدیل به بلاگر شده بود اما فکرش را نمی‌کرد که مرگ در انتظارش باشد.

به گزارش همشهری، بامداد دیروز، گزارش حادثه مرگباری در تونل نیایش به پلیس اعلام شد. یک دستگاه موتورسیکلت سنگین با ۲سرنشین داخل تونل واژگون شده و هر دو سرنشین آن در دم جان باخته بودند. قربانیان پسری ۳۰ساله و دختری ۱۵ساله بودند که پس از واژگونی موتور، سرشان به بتن‌های حاشیه تونل برخورد کرده و جان باخته بودند. در این شرایط گزارش این حادثه مرگبار به قاضی محسن اختیاری، باز پرس جنایی تهران اعلام شد.

حرکات نمایشی

تیم تحقیق با حضور در محل حادثه و بررسی دوربین‌های مداربسته و تحقیق از شاهدان، اطلاعات تازه‌ای از حادثه به‌دست آورد. بررسی‌ها حکایت از این داشت که پسر ۳۰ساله راکب و دختر ۱۵ساله ترک‌نشین بوده است. راکب موتور وقتی وارد تونل نیایش شده، تصمیم به انجام حرکات نمایشی گرفته و تک چرخ زده است. اما به‌دلیل سرعت بالا موتورسیکلت واژگون شده و چون آنها کاسکت به سر نداشتند، جانشان را در دم از دست داده بودند. دختری ۱۴ساله که دوست قربانی بود به مأموران گفت: ما یک جمع دوستانه ۱۰نفره بودیم و شب حادثه با ۵موتورسیکلت در خیابان‌ها می‌گشتیم و وقتی وارد تونل شدیم، ناگهان راننده یکی از موتورها تک چرخ زد اما تعادلش را از دست داد و نه‌تنها خودش، بلکه دختری که ترک موتور نشسته بود جانشان را از دست دادند. براساس این گزارش، تحقیقات تکمیلی در خصوص این حادثه ادامه دارد.

هیجان خطرناک

گفت و گو

سرهنگ رابعه جوان‌بخت، رئیس اداره تصادفات تهران با اشاره به حادثه مرگباری که برای پسر جوان رخ داده، می‌گوید: براساس قانون تردد موتورهای سنگین در معابر شهری ممنوع است. هیجانانگیز خود، بدترین ساعت شب را انتخاب می‌کنند؛ زمانی که بزگراه خلوت است و دید کافی نیست. در این شرایط، بدون اینکه نکات ایمنی مانند استفاده از کلاه کاسکت را رعایت کنند، سسوار بر موتورسیکلت‌های سنگین می‌شوند. سپس با انجام حرکات مخاطره آمیز به‌منظور تخلیه هیجان، را خودنمایی، جانشان را به بازی می‌گیرند؛ چون اتفاق در یک لحظه منتشر می‌کرد و خودش را بلاگر در زمینه موتورسواری می‌دید اما در نهایت در اوج جوانی جانش را از دست داد.

وی ادامه می‌دهد: از بحث مهارت و کنترل موتورهای سنگین که بگذریم، بحث آلودگی صوتی این دسته از موتورها مطرح است؛ چون صدای زیادی دارد و امنیت روانی جامعه را نیز به خطر می‌اندازد. تصور کنید، نیمه‌های شب، چنین صدای مهیبی شنیده شود و آن وقت چطور روان جامعه به هم می‌ریزد. به همین دلیل همسکاران من، چنانچه در خیابان موتورهای سنگین را ببینند، اقدام به توقیف آن می‌کنند. اما چه می‌شود که یک عده جوان و نوجوان برای تخلیه هیجان خودشان، خطرناک‌ترین و مرگبارترین تفریح را انتخاب می‌کنند؟



جنایت به‌خاطر یک گوشی موبایل

پسرم و دامادمان درگیری شکل بگیرد. در جریان این درگیری پسرم با چاقو ضربه‌ای به داماد که پسر دایی‌اش بود، زد. بعد فرار کرد و ما پژمان را به بیمارستان رساندیم، اما زنده نماند.

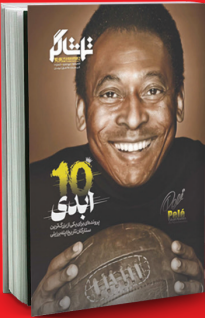
از همان موقع دیگر خبری از پسرم نداریم. من هم برای پیدا کردن او راهی تهران شدم تا اینکه دستگیرم کردند، اما من دخالتی در قتل نداشتم.ام. پسرم این پرونده برای ادامه روند رسیدگی به دادسرای شهرستان جهرم ارجاع شد.

بود، نامزد کرد. قرار بود به‌زودی مراسم عروسی آنها را بر پا کنیم، اما دامادم به‌دست پسرم به قتل رسید.

او ادامه داد: روز حادثه همه ما مهمان خانه پدر مقتول، یعنی پدر دامادمان بودیم. آن روز دخترتم به من و برادرش گفت که نامزدش پژمان برای او یک گوشی موبایل هدیه گرفته است. پسرم گوشی را از دست خواهرش گرفت تا آن را ببیند، اما ناگهان از دستش افتاد و صفحه گوشی شکست. همین موجب شد تا مایان

قتل رسید. عامل قتل از همان روز فراری شد، اما چند روز پیش از طریق یکی از بستگانمان متوجه شدیم که در تهران مخفی شده است.

پس از ثبت اظهارات پدر مقتول، تحقیقات در این باره آغاز و متهم فراری دستگیر شد. او دیروز در شعبه سوم دادسرای جنایی حاضر شد و به باز پرس سالار صنعتگر گفت: قتل را پسرم مرتکب شده است. او ادامه داد: مدتی قبل از ۲سال قبل، پسرم پژمان که تازه‌داماد بود، در درگیری با پدرزنش در جهرم به



مجلات همشهری منتشر شد

hamshahrimarket.com